اخبار صنعت

WWW.AKHBARESANAT.IR

شنبه
۲۹ خرداد ۱۴۰۰
۱۹ ژوئن ۲۰۲۱
۸ ذی القعده ۱۴۴۲
شماره ۱۶۷۴
۸ صفحه
۲۰۰۰ تومان

تلاش برای عبور از پیک تابستان با کمک نیروگاه‌های تازه‌نفس

۴

حماسه‌ای به وسعت ایران

۲

مجله‌نیچرنوشت؛

خشکسالی مهم ترین تهدید فلات ایران

۲

رییس کنفدراسیون صادرات ایران:

محدود کردن تجارت ایران به ۵ کشور خطرناک است

۳

انجمن واردکنندگان خودرو:

واردات خودرو در دولت بعدی آزاد می‌شود

۸

معاون وزیر اسبق اقتصاد در گفتگو با «اخبار صنعت»؛

مشکل اقتصاد را نمی شناسند، این ماحصل مناظره ها بود

معاون وزیر اسبق اقتصاد گفت: سوالات مطرح شده، برون داد اشتباهات شناختی است که نخبگان کشور بدان مبتلا هستند. به این دلیل نخبگان کشور دچار فهم غلط از مشکلات اقتصادی کشور هستند که متغیرهای تابع یا وابسته را مستقل فرض می کنند به همین خاطر در زمان مناظرات ریاست جمهوری بر سر این مساله بحث بود که من اقتصاد دان هستم و بقیه اقتصاد نخوانده اند و اقتصاد نمی دانند!

به گزارش اخبار صنعت، مناظرات ریاست جمهوری و انتخابات ریاست جمهوری دولت سیزدهم در ۲۸ خردادماه سال ۱۴۰۰ در حالی به پایان رسید که ایراداتی به نحوه مناظره ها حتی از سوی خود نامزدهای ریاست جمهوری و به سوال های اقتصادی که توسط مجری مناظرات پرسیده شد وارد بود. با توجه به اینکه اصل مشکلاتی که مردم ایران را درگیر کرده، بحران ها و چالش های اقتصادی است کارشناسان امیدوار بودند با حجم انبوهی از مشکلات اقتصادی نگاه جامع تری به این موضوع می شد و سوال هایی از نامزدهای ریاست جمهوری پرسیده می شد که درد اقتصاد ایران را بی پرده عیان می کرد اما بهروز علیشیری معاون اسبق وزیر اقتصاد و رییس سابق سازمان سرمایه گذاری خارجی ایراداتی جدی به سوال های مناظره های ریاست جمهوری دارد که در این بحث به آنها اشاره کرده است.

بهروز علیشیری کارشناس وتحلیلگر مسائل اقتصادی، معاون اسبق وزیر اقتصاد درباره مناظرات ریاست جمهوری و پرسش های اقتصادی مطرح شده ایرادات مد نظر خود را اینگونه عنوان کرد و گفت: اینک که مناظره ها و انتخابات ریاست جمهوری را پشت سر گذاشتیم بد نیست به چند موضوع در جریان مناظره ها اشاره کنیم که شاید در دوره های بعدی مورد توجه مسوولین امر قرار بگیرد.

اولین نکته ای که در مناظرات ریاست جمهوری مغفول ماند دقت نظر لازم در چالش ها و وضعیت اقتصادی ایران است، یعنی متوجه شدیم که متاسفانه نامزدهای انتخاباتی هنوز شناخت جدیدی از چالش های اقتصاد ایران و مشکلاتی که دردو سه سال آینده به دلیل اثرات کششی نرخ تورمی، عدم اشتغال، نرخ رشد تورمی منفی، بدهی های دولت در بازار سرمایه، انتشار اوراق و... گریبان اقتصاد را گرفته ندارند، چالش هایی که دو سه سال آینده تبعات و پیامدهای آن نمودار می شود. لذا بنده براین باورم که متاسفانه نامزدهای ریاست جمهوری در فاز اول اولین خطای استراتژیک خود را نشان دادند،عدم آشنایی و تسلز بر بحران های اقتصادی ایران.

وی دراین باره توضیح داد: متاسفانه مسوولین ما دچار انحراف شناختی هستند نه فقط در حد نامزدهای ریاست جمهوری بلکه در سطح نخبگان کشور، این انحراف شناختی خود را در سوالاتی که در رسانه ملی در حوزه اقتصاد مطرح شد خود را به خوبی نشان داد. در واقع سوالات مطرح شده، برون داد اشتباهات شناختی است که نخبگان کشور بدان مبتلا هستند. به این دلیل نخبگان کشور دچار فهم غلط از مشکلات اقتصادی کشور هستند که متغیرهای تابع یا وابسته را مستقل فرض می کنند به همین خاطر در زمان مناظرات ریاست جمهوری بر سر این مساله بحث بود که من اقتصاد دان

هستم و بقیه اقتصاد نخوانده اند و اقتصاد نمی دانند! به این دلیل است که می گویم این دوستان متوجه مشکل اقتصاد ایران نیستند، چرا که اگر متوجه این چالش بودند مشکل اقتصاد ایران حل شده بود، یعنی هنوز نمی دانند مشکل اقتصاد ایران، اقتصادی نیست، اگر این موضوع را می دانستند دیگر بر سر این موضوع که من اقتصاد خوانده ام شما اقتصاد نخوانده اید، بحث نمی شد!

علیشیری درباره سوال های مطرح شده در مناظرات ریاست جمهوری گفت: سوال های مطرح شده درمناظرات ریاست جمهوری، استمرار خطای استراتژیک شناخت در اقتصاد ایران است.، مثل اینکه درمناظرات از برنامه های نامزدها برای حل مشکل اشتغال، نقدینگی بالا و تورم پرسیده شد، از برنامه های نامزدهای ریاست جمهوری برای توسعه متوازن مناطق محروم، ساماندهی بازار سرمایه، اصلاح نظام بانکی و... در حالی که این سوال ها غلط بود و قطعا پاسخ آنها هم غلط خواهد بود.

علیشیری در پاسخ به این سوال که از نظر شما چرا سوال ها درست نیست، گفت: به این دلیل که در علم اقتصاد پاسخ همه سوال هایی که پرسیده شد،مثل چگونگی افزایش تولید، اشتغالزایی و راهکارهای جلوگیری از رشد نقدینگی بیان و اجرا شده است، در حالی که اقتصاد ایران با وجود این راهکارها، همیشه بحران زده است و به خوبی اداره نمی شود. اینجاست که متوجه می شویم عامل اصلی بحران اقتصاد ایران، ورود عناصر غیر اقتصادی به حوزه اقتصاد است، لذا تمامی سوالات مطرح شده، سوال های متغیر تابع بود اگر چه متغیرتابعی که تمام آن در ادبیات اقتصادی وکتابهای دانشگاهی وجود دارد کسی پاسخ درستی به آن نداد، با این وجود سوال های مطرح شده، موجب انحرافاتی دراصل قضیه شد.

معاون اسبق وزیر اقتصاد درباره روند پرسش های غلط و پاسخ های غلط و تاثیراتی که روی اقتصاد ایران گذاشته گفت: وقتی سوال غلطی پرسیده می شود و سوالها روی متغیرهای تابع متمرکز می شود، هر کسی فکر می کند می تواند رئیس جمهور، وزیر و وکیل شود به این دلیل که اصلا مشکل اقتصاد ایران را نمی شناسد، مثل این می ماند که من نمی دانم مشکل من یک سرماخوردگی ساده است؟ یا آنژیم است یا کروناست یا یک درون داد مهم که به مغز استخوان من مرتبط است؟ اگر بیماری من سرماخوردگی معمولی باشد برای درمان به پزشک عمومی مراجعه می کنم اما اگر تشخیص دیگری باشد که بیماری پیچیده ای است باید برای انجام روندهای درمانی واجب به بیمارستان مراجعه کنم و تحت درمان های تخصصی قرار بگیرم، هنگامی که درکی از مشکلات اقتصادی کشور وجود ندارد مشخص است که هزارن نفر برای ریاست جمهوری ثبت نام می کنند، در حالی که وقتی مساله روشن شود و دلایل اصلی بحران های اقتصادی ایران روشن شود کسی جرات نمی کند که برای ریاست جمهوری نامزد شود، حتی کسی هم به خود اجازه وزیر شدن نمی دهد، به این دلیل که بحث را باید براصلاحات ساختاری و ساماندهی و اجرای درست این اصلاحات قرار داد. به هر حال تا زمانی که در ساختار اداری، اقتصادی، نهادی، پولی و مالی اصلاحاتی صورت نگیرد هیچ چیزی در اقتصاد ایران درست نمی شود، بنابراین بهتر بود سوال های مناظرات ریاست جمهوری ناظر به این موضوع می بود که برای اصلاح ساختارهایی که مانع از رشد، طراوات، پویایی و شکوفایی اقتصاد ایران می شود چه برنامه ای دارید؟ در فاز بعدی باید اینگونه سوال می شد که آیا قبلا اصلاحاتی در اقتصاد ایران رخ انجام شده است؟ چرا اصلاحات ساختاری درایران با شکست مواجه شد؟

وی دراین باره تصریح کرد: چرا اصلاحات ساختاری در تسهیل فضای کسب و کار به درستی اجرا نشد؟ چرا هدفمندی یارانه ها به عنوان یک اصلاح ساختاری در اقتصاد ایران که قوی ترین اقتصاددان های داخلی روی این موضوع کار کردند، ضمن اینکه برای اولین بار این موضوع را می گویم که ما از کارشناسان بین المللی نیز به عنوان مشاور برای این طرح دعوت کردیم وبا مجلس وسازمان های دیگر نیز ارتباط گرفتیم. مگر قرار نبود اصلاح قیمت های انرژی و هدفمندی یارانه ها یکی از اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران باشد، موضوعی که حداقل چهار سال روی آن کار شد، اما امروز این موضوع به دلیل عملکرد بد آن مثل لاشه مرده کناری افتاده است و به دلیل همان موضوع گرانی بنزین دوسال گذشته موجب بلوای اجتماعی در سطح کشور شد.

علیشیری در این باره توضیح داد: وضعیت اصلاح اقتصادی بعدی که پیشنهاد بنده بود، یعنی تاسیس صندوق توسعه ملی چه شد؟ مگر قرار نبود صندوق توسعه ملی، تبدیل به یک صندوق بین نسلی برای توسعه ی کشور باشد، چرا امروز این صندوق سرنوشت خوبی ندارد؟ چرا اصلاح ساختاری اقتصاد ایران در اصل ۴۴ قانون اساسی به خصوصی سازی، عامل مشکل شد تا عامل توسعه اقتصاد ایران؟ آیا اصلاح این مواردبرای توسعه اقتصاد باشد یا افزایش بحران هی اقتصادی؟چرا برای یک پست برای اقتصاد ایران صد نفر از کارشناس ادبیات فارسی تا تاریخ و جغرافیا در صف قرار می گیرند؟ قطعا یکی از مهمترین ایردات مناظره های ریاست جمهوری که باید بدان می پرداختیم سوال هایی بود که از نامزدها پرسیده شد. از سوی دیگر این موضوع را اینگونه می توان توجیه کرد که پریش این سوالها به این دلیل است که اقتصاد ایران مشکل شناسی نشده است و به دلیل همین عدم مشکل شناسی است که هر کسی می آید و می گوید می تواند مشکلات اقتصاد ایران را حل کند.

مصوبه فروش ۶۰درصد ظرفیت پروازها لغو می شود؟

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی گفت: از آن منظر که فروش فقط ۶۰ درصد ظرفیت پرواز با هدف مبارزه با کرونا در سفر هوایی فقط در ایران اجرا می‌شود و موجب زیان شرکت‌ها است، از وزرای راه و بهداشت خواسته‌ایم با حذف این مصوبه موافقت کنند.

مقصود اسعدی سامانی، با اشاره به موضوع رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در پروازها و فروش ۶۰ درصد ظرفیت هواپیماها، اظهار داشت: مصوبه فروش فقط ۶۰ درصد ظرفیت پروازها به دلیل کرونا، موضوعی است که بدون هیچ محاسبات علمی تعیین و لازم‌الاجرا شده است و این موضوع فقط ضرر و زیان شرکت‌های هواپیمایی را بیشتر می‌کند.

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی با بیان اینکه فروش فقط ۶۰ درصد ظرفیت یک پرواز با هدف مبارزه با کرونا در سفر هوایی فقط در کشور ما اجرا می‌شود، ادامه داد: در هیچ جای دنیا این موضوع اجرا نشده است، یک شرکت هواپیمایی وقتی که ۴۰ درصد صندلی‌های خود را برای پرواز دراختیار ندارد، زیان عمده‌ای می‌بیند.

وی افزود: البته این مصوبه فقط در پروازهای داخلی اجرا می‌شود و شامل پروازهای خارجی شرکت‌های هواپیمایی داخلی نیست.

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی اضافه کرد: بازنگری در مصوبه فروش حداکثر ۶۰ درصد ظرفیت پروازها را به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر راه و شهرسازی و سازمان هواپیمایی کشوری پیشنهاد داده‌ایم، اما معتقد هستند، کماکان این فاصله‌گذاری اجتماعی باید در پروازها رعایت شود و ما هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم.

اسعدی سامانی اظهار کرد: حتی موعد مقرری هم برای پایان این موضوع به ما اعلام نشده است و ضرورت دارد، در این حوزه بازنگری شود.

سرمقاله

آیاحمایت‌ازهربنگاه‌ورشکسته، حمایت‌ازتولیدواقتصاداست؟

علی خلیلی نژاد
دانش آموخته اقتصاد
دانشگاه شریف

طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی بر اثر توقف تادیه وجوهی که بر عهده تاجر است، حاصل می‌شود یعنی وقتی تاجر یا بنگاه بدهی و دیونی داشته باشد اما نتواند طبق قرار قبلی با طلبکار، بدهی‌هایش را تسویه کند، ورشکسته شناخته می‌شود و تشخیص ورشکستگی به عهده دادگاه است. مثلا ممکن است یک بنگاه ده میلیارد دارایی داشته باشد و بیست میلیارد بدهی، اما بنگاه طبق قرار قبلی با طلبکار، سر وقت اقساط بدهی را از طریق درآمدها یا هر روش دیگر به طلبکار پرداخت می‌کند لذا چنین بنگاهی ورشکسته نیست اما اگر همین بنگاه با دارایی ده میلیاردی، پنج میلیارد بدهی می‌داشت و اقساط خود را به موقع تسویه نمی‌کرد، طلبکاران می‌توانستند از این بنگاه شکایت کرده و آن را به ورشکستگی بکشانند. در این شرایط دارایی های بنگاه به فروش می‌رسد و ابتدا بدهی‌های بنگاه تسویه می‌شود و سپس هر چه که ماند برای سهامداران خواهد بود. اگر هم دارایی‌های بنگاه کفاف پرداخت کامل بدهی را نداشته باشد، در این صورت طلبکاران به اندازه کسری دارایی‌ها نسبت به بدهی‌ها زیان می‌کنند و چیزی هم عاید سهامداران نمی‌شود.

وقتی یک بنگاه ورشکسته می‌شود ناشی از این است که احیانا مدیریت بنگاه درست نبوده مثلا مدیران بنگاه بیش از حد تحمل وام گرفته‌اند و ریسک بالایی را متحمل شدند یا اینکه ممکن است مشکل از موضوع و نحوه سرمایه‌گذاری باشد، مثلا شاید چنین بنگاهی اساسا توان رقابت کردن با رقبا را ندارد. لذا نمی‌تواند سود و درآمد مناسبی کسب کند و به حیات اقتصادی خود ادامه دهد. دلیل دیگر ورشکستگی می‌تواند شوک‌های کلان اقتصادی باشد، در این صورت هم موضوع سرمایه‌گذاری، بهینه انتخاب شده و هم مدیران از نظر مالی و اجرایی به خوبی وظایفشان را انجام می‌دهند اما یک شوک منفی کلان مثل جهش نرخ ارز یا رکودهای شدید، بنگاه را به ورشکستگی می‌کشاند.

حال در کدام حالت حمایت از بنگاه ورشکسته مناسب است و این حمایت باید چگونه اتفاق بیفتد؟

اولاً نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که منابع اقتصاد محدود هستند یعنی اگر ما در جایی سرمایه گذاری کنیم بدین معنا است که در جای دیگر سرمایه گذاری نکرده یا کمتر سرمایه گذاری کرده‌ایم، یعنی برای کسب منافع در موضوعی که سرمایه‌گذاری می‌کنیم، بصورت قهری هزینه‌ای پرداخت کرده ایم و آن هزینه این است که از منافع سرمایه‌گذاری در موضوع دیگر باز مانده‌ایم لذا عقل حکم می‌کند هر واحد از سرمایه‌گذاری را در جایی هزینه کنیم که نسبت به سایر گزینه‌ها، بیشترین بازدهی و منافع را داشته باشد. اگر صد واحد پول و سرمایه داشته باشیم و این صد واحد را در زمینه ساخت مسکن هزینه کنیم، دیگر نمی‌توانیم در زمینه کشاورزی هزینه کنیم و منافع حاصل از ساخت مسکن را به قیمت از دست دادن منافع حاصل از کشاورزی، به‌دست آورده‌ایم. همین نکته ساده و به ظاهر بدیهی، گاهی توسط سیاست‌گذاران مغفول واقع می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نقش مشارکت حداکثری مردم در کاهش فشارهای اقتصادی چیست؟

عطا بهرامی
اقتصاددان واستاد دانشگاه

ایران تنها کشوری است که از سال ۱۹۴۵ تا کنون به دلیل تداوم خباثت های آمریکا، دشمن اصلی این کشور بوده است هر چند برخی ازکشورها در دهه های گذشته با تعارض منافع یا دشمنی در آمریکا بر سر زبان ها مطرح بوده اند اما تفاوت این کشورها با جمهوری اسلامی ایران، مانند شوروی سابق، کوبا چین کنونی، عراق در دوره صدام و لیبی در دوره حکومت آقای قذافی در این موضوع است که هیچ کدام از این کشورها دارای مردمی نبودند و مسوولین آنها براساس رای مردم انتخاب نمی شدند، لذا آمریکا با کشورهایی رو به رو بود که اصولا حکومت های دیکتاتوری یا نظام های تک حزبی و کشورهای بسته ای بودند که نقش مردم در تعیین سرنوشت خود صفر بود.

در محاسبات آمریکا، جدایی مردم از حاکمیت های اشاره شده کار چنداهن سختی نبود در حالی که اصل در حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران، جمهوریت مردم است و نظام جمهوری اسلامی از این موضوع قدرت می گیرد به این دلیل که مردم مسوول تعیین تکلیف سرنوشت خود در انتخابات هستند و نظام از این موضوع قدرت می گیرد.

کاهش مشارکت مردم در نظامی مثل جمهوری اسلامی ایران، این سیگنال را به دشمن می دهد که آنها از حاکمیت دور شدند، لذا چونان حوادث سال ۸۸ این موضوع می تواند بر تصمیم گیری های تشدید تحریم دشمن بر ملت ما بسیار موثر باشد در حالی که مشارکت بالای مردم می تواند مانع فشارهای آتی قدرتهای بزرگ بر اقتصاد ایران شود.

از سوی دیگر نباید به این موضوع اکتفا کنیم که صرف مشارکت بالا و حضور در انتخابات این موضوع منجر به کاهش فشارهای اقتصادی دشمن برمردم ما می شود، چرا که همزمان با مشارکت بالای مردم، انتخاب رئیس جمهور اصلح نیز موضوع مهمی در کاهش فشارهای اقتصادی به شمار می رود.

به عبارت دیگر ما در دوره های با رای بالا و مشارکت بالای ۷۰ درصدی مردم مواجه شدیم اما چون به انتخاب اصلح منتهی نشد، متاسفانه دامنه مشکلات کشور به شدت افزایش یافته است از این رو مشارکت بالا در کنار انتخاب یک رئیس جمهور مقتدر و توانمند می تواند به بهبود وضعیت اقتصادای کشور و کاهش مشکلات اقتصادی مردم شود، چرا که رئیس جمهور قوی، تیم اقتصادی قوی را گزینش میکند که مردم خروجی آن را در بهبود وضعیت اقتصادی خود خواهند دید.